



چرا اسلام در دوران مدرن سریع ترین رشد را در میان مذاهب دارد؟

گروه غرب از نگاه غرب خبرگزاری فارس: آنچه مرا آزار می دهد این است که ما قادر به یافتن راه حل برای مشکلات خود نیستیم.

خبرگزاری فارس: گروه غرب از نگاه غرب خبرگزاری فارس: آنچه مرا آزار می دهد این است که ما قادر به یافتن راه حل برای مشکلات خود نیستیم، چیزی که مرا بیشتر ناراحت می کند این واقعیت است که نئولیبرال ها از مسائل ساختاری واقعی کاملاً بی خبرند و اقدامات آنها برای حل و فصل این مشکلات پیچیده، فقط بر وخامت موضوعات اصلی می افزاید. افراط گرایی مذهبی، ستیزه جویی مسلحانه و تروریسم نه عامل بلکه نتیجه فقر، عقب ماندگی و محرومیت هستند. از نظر تجربی اگر تمام عوامل آزاردهنده دیگر نظیر فقر، بی سواد، محرومیت، آموزش و مسلح کردن عامدانه گروه های ستیزه جوی خاص به دست بازیگران منطقه ای و جهانی و مهم تر از همه نتایج سیاست خارجی دوگانه غرب را کنار بگذاریم، فکر نمی کنم که گروه دولت اسلامی، القاعده و امثال این ها می توانستند به آن تعداد سرباز پیاده پیدا کنند که اکنون در مناطق شورش زده درخاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب آسیا به دست آورده اند.

هر چند که می پذیرم که دعوت «جهاد در راه خدا» می تواند یکی از دلایل پیوستن شمار زیادی از ستیزه جویان به جهادی ها باشد، اما از جنبه عاطفی این سیاست مداخله جویانه، منفعت گرایانه و به شدت قابل انتقاد غرب در منطقه سرشار از انرژی خاورمیانه است که نفت روی آتش می ریزد. وقتی که مسلمانان در سراسر کشورهای اسلامی می بینند که برادران دینی آنها در فلسطین، سوریه، عراق، لیبی، یمن، سومالی و افغانستان قتل عام می شوند، از جنبه عاطفی احساس خشم می کنند و به دنبال اجرای عدالت می روند.

از نظر من این خشم عاطفی عامل بسیار قدرتمندی است که مسلمانان را با این استدلال نادرست که خدا فرمان جنگ مقدس علیه کفار را داده، مستعد پذیرش ایدئولوژی های رادیکال و خشونت ورز می کند. اگر ما تمام عوامل دخیل در این معادله را در نظر بگیریم، فکر نمی کنم که مسلمانان یک تیره «استثنایی» از انسان ها و مصمم به کشتن ملحدان در سراسر جهان باشند.

صلح آمیز یا غیر صلح آمیز اسلام هم دینی است مثل تمام ادیان جهانی دیگر از جمله مسیحیت، بودایی و هندوئیسم. ما به جای اتخاذ رویکردی ذات گرایانه که تاکید آن بر جوهره انسان هاست، باید به تکامل پدیده اجتماعی در بستر تاریخی مناسب خود نگاه کنیم.

برای مثال اصرار بر اینکه انسان ها ذاتاً شر هستند یک رویکرد ذات گرایانه است؛ این دیدگاه نقشی را که تربیت در پرورش انسان ها ایفا می کند نادیده می گیرند. انسان ها ذاتاً فقط موجوداتی ذی شعور هستند، آنها ذاتاً نه خوب هستند و نه بد. آنها هر چه که هستند، خیر یا شر، نتیجه تربیت و پرورش آنهاست.

به همین ترتیب گفتن اینکه اسلام مذهبی ارتجاعی یا خشن است یک رویکرد ذات گرایانه است؛ این دیدگاه چگونگی تفسیر اسلام و متون مقدس آن را از سوی پیروانش، بسته به زمینه های اجتماعی-سیاسی موضوع نادیده می گیرد. برای مثال اغلب مسلمانانی که در غرب بزرگ شده اند و ارزش های غربی را پذیرفته اند، آیات قرآن را به روشی لیبرال تفسیر می کنند. مسلمانان طبقه متوسط شهری کشورهای دارای اکثریت مسلمان همان آیات را به شکلی محافظه کارانه تری تفسیر خواهند کرد و یک مسلمان روستایی-قبیله ای که روحانیون محلی او را شستشوی مغزی کرده اند، برخی معانی را در این آیات خواهد یافت که ممکن است افراطی باشند. همه چیز بیشتر از آنکه به مذهب یا متون مربوطه ارتباط داشته باشد، به فرهنگ مربوط می شود.

درارتباط با رادیکالیسم اسلامی اگر ما به روند تطور مذهب و فرهنگ اسلام در طول قرن های بیستم و بیست و یکم نگاه کنیم، مشاهده می کنیم که این روندی طبیعی نبوده است. در مواردی جهش های زبانی رخ داده که تأثیراتی منفی بر جوامع اسلامی در سراسر جهان داشته اند.

عوامل اجتماعی مشابه نقشی را در علوم اجتماعی بازی می کنند که انتخاب طبیعی در علم زیست شناسی ایفا می کند. این عوامل اجتماعی هستند که خصایص، هنجارها و ارزش هایی را انتخاب می کنند که بیش از همه به فرهنگ میزبان نفع می رسانند. اگر از این زاویه نگاه کنیم، تنوع اجتماعی یک کیفیت مطلوب برای پیشرفت اجتماعی است، چرا که وقتی رسوم و سیستم های ارزشی مختلف با یکدیگر رقابت می کنند، فرهنگ رسوم و ارزش هایی را که به نفع آن است جذب می کند و سنت ها و عادات مضر را کنار می زند.

یک مذهب تمرکز زدایی شده و کمتر سازمان یافته مثل اسلام صوفیانه، لحن های متنوع از باورها و دیدگاه هایی را که در تلاش برای به دست آوردن اهمیت و برتری اجتماعی با یکدیگر رقابت می کنند، به مخاطره می اندازد. از سوی دیگر یک مذهب به شدت تمرکز گرا و سازمان یافته، بیشتر بر اقتدار و جزم اندیشی متکی است تا ارزش و سودمندی. بعلاوه یک مذهب تمرکزگرا در مقایسه با یک مذهب تمرکززدایی شده، متحجتر و دارای پذیرندگی کمتری در برابر تغییر است. اسلام را مذهبی می دانند که در قرن های بیستم و بیست و یکم سریع ترین رشد را در میان مذاهب بزرگ داشته

است. طبق اعلام «بانک اطلاعات مذاهب جهان»، نسبت جمعیت جهان به مذهب در طول یک قرن گذشته به این ترتیب بوده است:

مسیحیت: 1910: 34.8 درصد - 2010: 8.32 درصد

اسلام: 1910: 12.6 درصد - 2010: 22.5 درصد

هندویسم: 1910: 12.7 درصد - 2010: 13.8 درصد

بودایی: 1910: 7.9 درصد - 2010: 8 درصد

به این ترتیب در حالی که تعداد پیروان تمام مذاهب ثابت بوده یا تغییرات اندکی داشته، تعداد باورمندان به اسلام طی یک قرن گذشته تقریباً دو برابر شده است.

تنها مشخصه‌ای که اسلام را از دیگر مذاهب بزرگ مثل مسیحیت، بودایی و هندویسم متمایز می‌کند و همچنین پیش از هر چیز عامل احیای اسلام در دوران مدرن بوده این است که اسلام به عنوان یک مذهب و ایدئولوژی سیاسی ثروتمندترین حامیان مالی جهانی را داشته است.

بعد از سال 1973 و به دنبال جنگ اعراب و اسرائیل و تحریم جمعی فروش نفت از سوی اعراب علیه غرب، قیمت نفت چهاربرابر شد و مشارکت شیوخ نفتی خلیج فارس در «سلامت معنوی» مسلمانان سراسر جهان به شدت تشدید شد. به همین دلیل است که ما شاهد رشد گسترده خیریه‌ها و مدرسه‌های اسلامی در سراسر جهان به خصوص در سطح جهان اسلام هستیم.

پدیده رادیکالیسم اسلامی و اسلام وهابی - سلفی در سراسر جهان، ارتباط مستقیمی با مدرسه‌های اسلامی دارد که با سخاوتمندی هزینه آنها با دلارهای نفتی خلیج فارس تامین مالی می‌شوند. این مدرسه‌ها کودکانی را از کشورهای مسلمان جهان سوم که پیشینه‌ای همراه با محرومیت دارند جذب می‌کنند، زیرا انگیزه‌ها و تسهیلاتی به آنها ارائه می‌شود که حتی مدارس دولتی که با بودجه دولتی اداره می‌شوند نیز نمی‌توانند چنین خدماتی را ارائه دهند؛ خدماتی از قبیل پانسیون و اقامت رایگان، غذای رایگان برای دانش آموزان تهیدست، شهریه رایگان و هزینه کتاب و بهداشت رایگان؛ برخی از مدارس که از بودجه‌های سخاوتمندانه تری برخوردارند، حتی ماهانه پول تو جیبی نیز به دانش آموزانشان پرداخت می‌کنند.

علاوه بر مدرسه‌ها عامل دیگری که ایدئولوژی وهابی- سلفی کشورهای خلیج فارس را در جهان اسلام ترویج می‌کند، مراسم حج و عمره است. هر ساله میلیون‌ها مرد و زن مسلمان از سراسر جهان اسلام به منظور ادای فریضه حج به شهرهای مقدس مکه و مدینه سفر می‌کنند.

وقتی که این زائران بعد از گذراندن یک یا دو ماه در عربستان سعودی به کشورهای زادگاهشان برمی‌گردند، علاوه بر قلب‌های پاکسازی شده و روان‌هایی پالایش شده، داستان‌هایی از مهمان‌نوازی سعودی‌ها و نسخه‌های ظاهراً «حقیقی و موثق» آنها از اسلام را نیز با خود به خانه می‌آورند که برای برخی از مسلمانان به خصوص جمعیت‌های روستایی عقب مانده جذاب و واجد ارزش رقابت به نظر می‌آید.

با این حال یک عامل دیگر که در رشد ایدئولوژی وهابی- سلفی در سراسر جهان اسلام نقش دارد، کارگران مهاجر هستند. میلیون‌ها مرد، زن و خانواده مسلمان از سراسر کشورهای در حال توسعه اسلامی در عربستان سعودی، قطر، کویت، بحرین و عمان سرشار از نفت و گاز کار و زندگی می‌کنند. برخی از آنها همیشه در این کشورها سکونت می‌کنند، اما اکثراً با مجوزهای کاری موقتی در این کشورها کار می‌کنند.

درست مثل زائران حج این کارگران مهاجر نیز به خانه‌های خود در شهرها و روستاها بازمی‌گردند و آنها نیز داستان‌هایی را از مهمان‌نوازی سعودی‌ها و نسخه‌های خاص آنها از ظاهراً «اسلام موثق معتبر» برای دیگران بازگو می‌کنند. مدتی اقامت در کشورهای عرب خلیج فارس، موجب می‌شود که دیگران قضاوت‌های وی در مورد مسائل مذهبی را موثق بدانند. همچنین شناخت شتاب زده و سرسری او از عربی یعنی زبان قرآن باعث می‌شود که آن فرد در میان مسلمانان بی‌سواد روستایی معادل یک قاضی (یک داور آموزش دیده) به چشم بیاید و این قبیل شارلاتان‌ها به سادگی می‌توانند رسوم و سنت‌های اعراب را به عنوان نسخه‌ای موثق از اسلام در اجتماعات روستایی عقب مانده خود بازتولید کنند.

نویسنده: نعمان صدیق (Nauman Sadiq) وکیل، ستون نویس و تحلیلگر مسائل ژئوپلیتیک ساکن اسلام آباد
منبع: yon.ir/w6j50